

بودند. همچنین می‌توان به مدارس هزان، موکت، بدار، فندیک، آخته، نورشین، قره‌کوی، فارقین، هاول و مدارس حسنکیف و اخین و وان اشاره کرد که طلاب زیادی را جذب می‌کرده‌اند.^۴

کسانی که در این مدارس درس می‌خواندند به القابی چون «سوخته»، «فقی» یا «شاگرد» ملقب شده‌اند. غیر از کردی، که اول از همه و بیشتر از همه تدریس می‌شد، زبان قوآن یعنی عربی و هم فارسی، جزو دروس مقدماتی این مدارس بوده است. سوای پاره‌ای متون که اصل کردی کرمانجی دارند، اغلب کتب درسی به عربی بوده اما به کردی تدریس می‌شده‌اند. تحصیل فرهنگ و آداب و رسوم کردستان موسوم به عادت نیز جزو دروس ضروری بوده که شاگرد سال اول مدتی را به فراگیری آنها صرف می‌کرده است.^۵

کودکان کرد را در شش‌سالگی یا نهایتاً هفت‌سالگی به ملای روستا می‌سپردند تا در حجر تربیت او پرورش یابند. مدرسه در جوار مسجد روستا بود و به سرپرستی شیوخ و سادات کرد اداره می‌شد. بعد از آموختن القبا، والدین کودک هدیه‌ای موسوم به مفتوحانه به ملای روستا تقدیم می‌کردند و، با اتمام هر کتاب نیز،

رِز: متون درسی مدارس کرمانجی کردستان

مصطفی دهقان

اصول تعلیم و تعلم در مدارس کردستان قدیم به دو شیوه اصلی کرمانجی و سورانی بوده است. مدارس کرمانجی مهم‌تر و شمار آنها نیز بسی بیشتر از مدارس سورانی بوده و تقصی هم که گاه در مدارس مناطق سورانی‌نشین کردستان قدیم مثل مدرسه سلیمانیه یا مدرسه دارالاحسان سنندج، مدارس سابلاخ و بوکان و مدرسه قریه اباعبیده در کردستان عراق وجود داشته در مدارس کرمانجی نبوده است.^۱

شاعران و ادیبان و فقهای کردستان قدیم و حتی بعضی از ترکها و عربها و فارسی‌زبانها نیز در این مدارس تحصیل می‌کرده‌اند. اما بعد از سال ۱۹۲۵، که مصطفی کمال پاشا کانون توحید تدریس را شکل داد و با اصول سنتی رایج در مدارس کردستان مخالفت جدی و مؤثر کرد، از رونق و اعتبار مدارس کرمانجی کاسته شد و، با تعطیلی آخرین آنها در اواخر دهه ۱۹۶۰، عمر این مدارس، برخلاف مدارس سورانی، یکسره پایان یافت.^۲

بسیاری از شعرا و مشایخ صوفیه کردستان شمالی از جمله شیخ علی حریری (۱۱۱۰-۱۰۸۹ م)، ملا احمد حسین بانی (۱۴۱۷ تا ۱۴۹۱ م)، شیخ ملا احمد جزیری (۱۶۴۰-۱۵۷۰ م)، فقی طیران (۱۶۶۰-۱۵۹۰ م)، ملا احمد خانی (۱۷۰۷-۱۶۵۱ م)، شرف‌خان کوله‌مرگی (۱۷۴۸-۱۶۹۳ م)، مرادخان بایزیدی (۱۸۳۲-۱۷۷۲ م)، ملا خلیل سرتی (۱۸۴۳-۱۷۵۴ م)، و حتی شیخ عبدالرحمن آخته‌ای (۱۸۵۰-۱۹۱۰ م)^۳ در این مدارس، که در مناطق گوناگون پراکنده بوده، تحصیل کرده‌اند. مدرسه ستواباسی دیار بکر، مدرسه سرخ جزیره، مدرسه بایزید و مدرسه شم‌دینان در ایالت حکاری و مدارس اخلاصیه، کاتبیه، شکریه، شرفیه، و شمسیه، که همگی در بتلیس جای داشتند، از بهترین و مشهورترین مدارس کردستان

حاشیه

(۱) نخستین کسی که اطلاعات بسیار مختصری درباره چگونگی تحصیل مقدمات علوم در مناطق کرمانجی‌نشین کردستان قدیم به دست داده الکساندر آگوست ژابا (Jaba, 1860, pp. 12-14)، قنصل روس ارزروم است. کتابی که زین‌العابدین زینار در استکهلم و به زبان کردی کرمانجی نشر داده از جدیدترین و بهترین منابع موجود برای بررسی اوضاع مدارس کردستان قدیم است: Zinar, 1993.

(۲) درباره مدارس سورانی هنوز تحقیق جامع و معتبری در دست نیست. مقاله‌ای که عبدالله مردوخ تحت عنوان «مدرسه در کردستان سنتی» (Mardukh, 1998) نوشته، با همه کوتاهی، علمی و سودمند است. باید توجه داشت که مدارس سورانی، هرچند هنوز هم در کردستان وجود دارند، از اصول و روشهای سنتی تعلیم و تعلم در کردستان قدیم قدری فاصله گرفته‌اند.

(۳) شرح احوال و آثار اینان در مآخذ متعدد آمده است، از جمله نک. Hartmann, 1898; Khaznadar, 1967; Kiezer, 1997.

و حلمی، ۱۹۵۵.

(۴) برای اطلاع بیشتر درباره جغرافیای این نواحی، نک. McDowall, 1996.

(۵) مجموع عادات کرده‌ی را ملا محمود بایزیدی در رساله‌ای جداگانه به کردی کرمانجی شرح داده و متن آن را مارگاریتارودنکو تصحیح و به روسی ترجمه کرده است: Rudenko, 1963.

اهدای این مفتوحانه را، که اغلب گاو و بز و گوسفند بوده، تکرار می‌کردند. اغلب شاگردان به خواندن پنج یا شش کتاب اول دروس مقدماتی اکتفا کرده و مدرسه را ترک گفته‌اند. کسانی هم در مدرسه می‌ماندند و در قبال سختیهای آن صبر و تحمل پیشه می‌کردند و برای نیل به قرب مقام ملا از کوشش باز نمی‌ماندند.

تحسین و اعجابی که مردم کردستان به ملاها نشان می‌دادند نیز بر اشتیاق آنها می‌افزوده است. اینکه غیر از وقف مدارس بخشی از هزینه‌های تربیت ملا را حکام عثمانی تقبل می‌کردند خود از اهمیت مقام ملائی حکایت دارد. همه روستاهای مسلمان‌نشین کردستان شمالی می‌بایست از وجود یک ملا بهره‌مند گردند که با توافق شیوخ و آگاهای حاکم بر قرای کردستان انتخاب می‌شد. اگر هم روستائی در سیطره نفوذ اینان نبود، خود ملاها در آنجا ساکن می‌شدند. حکام برای ملای هر روستا مبلغی مقرر می‌کردند. برخی از آنان از کسب هدایای قطر یا ایسقات، که پس از مرگ و مراسم تدفین متوفائی به ملا پیشکش می‌شد، معاش می‌کردند. ارتباط صوفیه با مدارس و اینکه جمیع صوفیان کردستان شمالی از میان ملاهای مدارس برمی‌خاسته‌اند نیز مردم را به تأمین حوایج و توجه به تأمین وسایل معیشت ملای روستا تشویق می‌کرد. داعیه و قوف بر علوم خفیه و اسرار کیمیا نیز، که نزد پاره‌ای از ملاها رایج بوده است، سبب می‌شد تا به آنان با نظر حرمت و تکریم آمیخته با رُعب از هیبت بنگرند. با وجود همه این حمایتها، مخارج تحصیل نزد ملا سنگین بود. با آنکه داوطلبان ادامه تحصیل اندک بودند، استاد مجبور بود از میان همانها نیز به چند شاگرد باهوش‌تر اکتفا کند. شاگرد، پس از آنکه انتخاب می‌شد، تقریباً تمام هفته را تعلیم می‌دید. شرکت در نمازهای پنجگانه هم از وظایف شاگرد بود ضمن آنکه می‌بایست خطبه نماز جمعه و وعظ و ادعیه مرگ و ازدواج را هم تمرین کند.

اگر به هنگام تمرین از شاگرد عملی سر می‌زد یا سخنی شنیده می‌شد که به میزان شرع اسلام درست نبود یا با سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم موافق نمی‌افتاد، باهوش‌ترین و قدیمی‌ترین شاگرد استاد، که میر حجه خوانده می‌شد، در تصحیح و کمک به شاگرد نوپا اقدام می‌کرد. بعد از اتمام دوران آشنائی شفاهی با شرع و اصول دین اسلام و یادگیری ضوابط و ویژگیهای ملائی، نوبت به خواندن متون درسی می‌رسید که دیگر هیچ فرصتی برای شاگرد باقی نمی‌گذاشت. شاگرد موظف بود متون بسیاری را از بر کند. پاره‌ای از متون را اصلاً مکتوب نمی‌کرده‌اند.

شاگردان قدیمی، در وقت میتاله (=مطالعه) سینه به سینه متون را به شاگردان جدید انتقال می‌دادند و این شیوه تعلم طاقث فرسا بود و بعضی شاگردان را به فرار از مدرسه وا می‌داشت. در وقت مطالعه، بعد از نماز عشاء، خواندن کتب مربوط به علوم ریاضی و طبیعی و آرا و عقاید سایر مذاهب نیز رایج بود، ولی جزو دروس اصلی مدرسه به حساب نمی‌آمد. مجموع کتب درسی در مدارس کرمانجی را، که درباره بسیاری از آنها اطلاعات زیادی در دست نیست، به کردی رژی می‌گویند. فهرست کامل این کتب، که به ترتیب از سال اول تا سال آخر دوران تحصیل در مدرسه تدریس می‌شد، بدین شرح است:

کتاب اول جزوه مختصری به نام الیفیتیک بود در شرح الفبای عربی به زبان کردی ساده، دقیق، و روشن که لااقل متعلق است به قرن نهم هجری و غالب مندرجات آن به شیوه شفاهی تعلیم می‌شد.^۶ کتاب دوم همانا قرآن کریم بود. شاگرد هنوز عربی نمی‌دانست، اما می‌بایست قرآن را، که تعلیم واقعی و آسمانی شمرده می‌شد، با کمک استاد چند باری — لفظ به لفظ — مرور کند. صحبت استاد در اظهار شوق به قرآن کریم ارادت و تسلیم و سرسپردگی شاگرد به آیات قرآن مجید را الزام می‌کرد. سوم کتاب کردی مولد سروده ملا احمد حسین باتی از اهالی قریه بات حکاری در کردستان ترکیه است که احوال و زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به زیبایی تمام به نظم درآورده است.^۷ مولد به مولدالتبی الهاشمی بلغة الکردی هم موسوم است و قطعاتی از آن با عنوان «در ابتدا نور محمد ز نوراً واحداً احد» و «در انتقال نورالمصطفی با والدته امه صاحب وفا» از دلکش‌ترین بخشهای آن به شمار است.^۸

چهارم کتاب نوبارا بچوکان (نوبهار کودکان) سروده ملا احمد

حاشیه

۶) الیفیتیک اصل شفاهی داشته و از طریق گفتار تعلیم می‌شده است نه کتابت. ظاهراً بخشهایی از آن را از قرن نهم/دهم هجری به بعد مکتوب کرده‌اند که قطعاتی از آن در کردستان هست اما هنوز طبع نشده است.

7. Jaba, p. 13.

۸) از مولد سه نسخه خطی اصلی به شرح زیر در دست است:

— Ms. or. quart. 1056. SB, Marburg, Berlin;

— Ms. or. oct. 1083. SB, Marburg, Berlin;

— Ms. or. quart. 1132. SB, Marburg, Berlin;

همچنین نک. Le Coq, 1903, pp. 49-96 که یکی از نسخ مولد را چاپ عکسی کرده است.

خانی، از شعرای معروف کردستان، است.^۹ مهم‌ترین و جامع‌ترین مأخذ برای تقویت زبان عربی در دوران مقدماتی همین کتاب نوباراست که، در آن، لغات و اصطلاحات بنیادی زبان عربی در قالب فرهنگ عربی به کردی به نظم درآمده است و بحور عروضی را نیز آموزش می‌دهد.^{۱۰} پنجم متن نهج‌الانام است از سروده‌های کردی کرمانجی ملا خلیل سرتی از اهالی سرت واقع در هشتادکیلومتری جنوب غرب دریاچه وان در کردستان ترکیه. این کتاب شرح مختصری از عقاید مسلمین را به دست می‌دهد.^{۱۱} ششم کتاب عقیده از دیگر سروده‌های کردی ملا احمد خانی است که جزو دروس مقدماتی مدرسه بود.^{۱۲} این کتاب درباره اعتقادات اسلامی است و شرح جداگانه‌ای هم به کردی کرمانجی دارد که ملا احمد قوخی تألیف کرده است.^{۱۳}

کتاب هفتم غایت‌الاختصار، در فقه شافعی تألیف ابوشجاع‌الدین الاصفهانی است که حدود سنه ۵۰۰ هجری وفات یافته است و آن به التقریب فی الفقه هم شهرت دارد و به سبب عربی ساده و بی‌تکلف آن جزو دروسی بوده که در سالهای اول مدرسه تدریس می‌شده است.^{۱۴} بعد از غایت‌الاختصار، دوران مقدماتی به پایان می‌رسید و اغلب شاگردان مدرسه را ترک می‌گفتند. از کتاب هفتم به بعد خواندن هر کتابی اجازه مجزای استادان مدرسه را لازم داشت.

کتاب هشتم ابن قاسم یا فتح‌التقریب تألیف محمد بن قاسم الغزی (وفات: ۹۱۸ ق) است در شرح کتاب هفتم. مؤلف در غزه به دنیا آمده و ظاهراً خود گرد بوده است.^{۱۵} شرح وی غامض است و استاد آن را به کردی تدریس می‌کرد. کتاب نهم شرح بر شرح ابن قاسم موسوم به باجوری است که ابراهیم الباجوری (وفات: ۱۲۷۷ ق) تحریر کرده است و خواندن و تسلط بر آن مدتها طول می‌کشیده است.^{۱۶} کتاب دهم تصریفا کورمانجی است تألیف ملاعلی تره‌ماخی که در صرف و نحو عربی تبخّر داشته و آن را به زبان کردی کرمانجی در صرف افعال عربی نوشته است.^{۱۷} شاگردان قدیمی مدرسه مطالب آن را شفاهاً به شاگردان جدید منتقل می‌کردند.

کتاب یازدهم یعنی امثله و کتاب دوازدهم به نام عزّی هم از دیگر کتب راجع به صرف عربی است که به عربی تقریر و به کردی تدریس و شرح داده می‌شد.^{۱۸} کتاب سیزدهم العوامل عبدالقاهر بن عبدالرحمن الجرجانی است که اصول نحو را به عربی ساده‌ای بیان می‌کند.^{۱۹} این کتاب به کردی تدریس می‌شد و، چنانچه از عنوان اواملا جورجانی برمی‌آید، احتمالاً یک ترجمه کردی هم داشته است. چهاردهم کتاب ظروف ملا یونس خلقتینی (وفات: ۱۷۸۵ م)

است که به کردی تألیف شده و شرح نحو عربی را شامل است.^{۲۰}

حاشیه

(۹) از نوبارا بچوکان سه نسخه به شرح زیر در دست است:

— Ms. or. quart. 1054. SB, Marburg, Berlin;

— Ms. or. quart. 1133. SB, Marburg, Berlin;

— Ms. or. oct. 1200. SB, Marburg, Berlin;

برای چاپ عکسی آن، نک. Le Coq, pp. 1-33.

(۱۰) مثلاً در بحر رجز مشمن سالم چنین سروده است:

ای طالب بحر رجز «هاتم» اتیت اتی «تیم»

إرجع «فگر» اذهب «هره» إجعل «پکیر» إسحق «پهیر»

إضرب «پکط» أنظر «پنیر» إقرأ «بُخون» إعلم «پزان»

ایمان بمعنی «باوزه» مضرو بسلد «بازارن او»

«کاره» شفاعت «مهرداری» إملاق «خیزانی» غنا

«مالداریه هم اشتران» إطلاق «بزدان طلقه زان»

أصغر «پچوک» أكثر «مزن» سید حلاجیل «میر سره»...

(ورق سوم به بعد از نسخه شماره 1133)

(۱۱) متن نهج‌الانام را زین‌العابدین زینار به کردی تصحیح و در استکهلهم

طبع کرده است: نک. Zinar, 1988.

(۱۲) برای متن عقیده، نک. Le Coq, pp. 33-47.

13) Qoxi, 1984.

(۱۴) نک.

Brokelmann, 1939, Band I, p. 392, Supplementsband I, p. 676.

15) *Ibid.*, p. 392.

(۱۶) در بعضی مدارس، شرح باجوری بر «قصیده بان‌سعاد» ابی محمد

جمال‌الدین عبدالله انصاری در مدح رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز

رایج بود و تدریس می‌شد: نک. عبدالله، ۱۳۰۴ ق.

(۱۷) نک.

Ms. or. quart. 1057. SB, Marburg, Berlin.

(۱۸) فکر می‌کنم صاحب عزّی عزالدین ابراهیم الزّنجانی باشد: نک.

Brockelmann, Band I, p. 283.

(۱۹) نک. صابر، ۱۹۶۶، که العوامل را بر مبنای طبع سنگی دیار بکر

چاپ افست کرده است.

(۲۰) ظروف به کتاب‌العبارة من کلمات ملا یونس خلقتینی هم موسوم

است و اساس موضوع آن را خود ملا یونس در آغاز رساله چنین بیان کرده است:

«تو بزبان هنکی اشیا دیندا هنه ظرف یان غیر ظرف ظرف زی منقسم

بدو قسمان ظرف حقیقه یان ظرف مجازیه... هر وکی هاتیه زانین د

تصریفدا»: نک. ورق اول از نسخه

Ms. or. quart. 1134. SB, Marburg, Berlin.

پانزدهم کتاب ترکیب از ملا یونس در نحو عربی است که به زبان کردی تحریر یافته است.^{۲۱}

کتاب شانزدهم سعدالله صغیر نام دارد که شرحی عربی بر *العوامل* جرجانی^{۲۲} و تألیف سعدالله الصغیر است. هفدهم کتاب *متن المغنی* در نحو عربی یا همان *المغنی فی النحو* تألیف احمد الجاربردی (وفات: ۷۴۶ ق) است.^{۲۳} کتاب هجدهم را در زبان و متون کردی سعدینی می‌گویند و آن متن عربی در نحو است تألیف سعدالدین مسعود التفتازانی (وفات: ۷۹۱ ق) که شرح مختصری هم بر عزری به دست می‌دهد.^{۲۴} همه شاگردان مدرسه کتابهای دهم تا انتهای هجدهم را بدون استثنا از بر می‌کردند.

کتاب نوزدهم متن عربی مشکلی است در نحو که به حل موسوم شده است. مؤلف آن معلوم نیست ولی این احتمال هم هست که شرحی از زینی‌زاده حسین بر *اظهار برکوی* باشد که بروکلیمان در مجلد دوم تاریخ متون عربی ذیل عنوان *حل اسرار الاحیاء الی اعراب اظهار الاسرار* از آن یاد کرده است.^{۲۵} بیستم سعدالله گوره (سعدالله کبیر) است تألیف سعدالله گوره که خود گرد بوده است. متن این کتاب به عربی و در نحو است.^{۲۶} بیست و یکم متن عربی در نحو موسوم به *نتائج* یا *نتائج الافکار* مصطفی بن حمزه عدلی است. عدلی این کتاب را، که شرحی است بر *اظهار الاسرار* محمد بن پیر عبدالله محیی‌الدین البرکوی (وفات: ۹۸۱ ق)، در سال ۱۰۸۵ هجری نوشته است.^{۲۷} هم نویسنده و هم شارح از دانشمندان معروف امپراتوری عثمانی بودند که نوشته‌های آنها در تمام مدارس تحت نظارت حکام عثمانی تدریس می‌شد.

کتاب بیست و دوم متن مشهور سیوطی در نحو است^{۲۸} که شرح مفصلی است بر *الفیه* ابن مالک.^{۲۹} بیست و سوم آخرین کتابی است که شاگرد در نحو فرا می‌گرفت؛ متن عربی موجز و دشوار جامی. این کتاب را مولانا جامی به مثابه شرحی بر *الکافیة* جلال‌الدین ابن‌الحاجب و به نام فرزندش تألیف کرده است.^{۳۰} و بر آن چندین شرح دیگر نیز نوشته‌اند. شاگردی که از عهده کتاب بیست و سوم بر می‌آمد به طالب ملقب می‌شد و شایستگی لازم برای خواندن کتاب بیست و چهارم را احراز می‌کرد.

بیست و چهارم متن عربی دشواری در منطق ارسطویی است که در کردی به موخیت تولاب شهرت دارد و در حقیقت همان *مغنی الطلاب* محمود المغنسی است در شرح کتاب اثیرالدین الابهری (وفات: ۶۶۲ ق) در منطق.^{۳۱} متن بعدی، بیست و پنجم، نیز شرح دیگری بوده است به قلم ملا خلیل سرتی بر همین رساله

ایساغوجی ابهری در منطق ارسطویی.^{۳۲} کتاب بیست و ششم رساله عربی قول احمد در شرح *مغنی الطلاب* مغنسی و در باب منطق بوده است ولی اطلاعات دیگری درباره آن در دست نیست. کتاب بیست و هفتم رساله عربی دشواری با عنوان *کردی عوساما* ودعی بود که علم‌المعانی و پاره‌ای قواعد فصاحت و بلاغت را شرح می‌کرد. نام مؤلف آن معلوم نیست. بیست و هشتم متن استعاره بود که نویسنده این هم معلوم نیست و حاوی اصول نگارش و قواعد بلاغت، خاصه شرح اقسام استعاره و مجاز، است. بیست و نهم کتاب شرحا ولید است که ولید نامی در اصول مناقشه و مناظره گرد آورده است.^{۳۳} سیام کتاب شرحا شمسی است که سعدالدین تفتازانی در منطق بر رساله *الشمسیه فی القواعد المنطقیه* اثر نجم‌الدین الکاتبی نوشته است.^{۳۴} کتاب سی و یکم رساله‌ای موسوم به

حاشیه

(۲۱) اساس کتاب ترکیب در باب مکاتب بصره و کوفه است:

«تو بزبان دو مذهب جاری بونه ترکیبیا بسم‌الله دا مذهب بصریان و مذهب کوفیان لمذهب بصریان جمله فعلیه لمذهب کوفیان جمله اسمیه...»
ورقهای اول و دوم از نسخه

Ms. or. oct. 1206. SB, Marburg, Berlin.

(۲۲) نک.

Brockelmann, Supplementsband I, p. 304

23) *Ibid.*, Band II, p. 193, Supplementsband II, pp. 257-258.

24) *Ibid.*, Band II, p. 215.

25) *Ibid.*, p. 441.

(۲۶) از این کتاب یک نسخه در کتابخانه صابونی حلب بوده که ضمن انتقال به کتابخانه ظاهریه دمشق مفقود یا شاید هم سرقت شده است.

(۲۷) یک طبع سنگی از این کتاب را در مهاباد چاپ افست کرده‌اند (سیدیان، ۱۳۵۲ ش).

(۲۸) نک. هادی، ۱۹۷۲.

(۲۹) نک. رشید، ۱۳۹۶ ق.

(۳۰) شرح جامی بر فوائد الضیائیه فی حل مشکلات الکافیة نیز شهرت دارد. برای متن آن، نک. طبع سنگی بولاق (تبریزی، ۱۲۷۴ ق).

(۳۱) نک.

Brockelmann, Supplementsband I, p. 543.

(۳۲) همچنین قس. قال اقوال که از شروح ایساغوجی اثیرالدین ابهری است و در مهاباد طبع شده (کاتی، ۱۳۶۹ ش).

(۳۳) *عوساما* ودعی، استعاره، و شرحا ولید به روش شفاهی تعلیم می‌شدند. گویا از شرحا ولید یک نسخه مکتوب هم در کردستان ترکیه هست ولی هنوز آن را ندیده‌ام.

(۳۴) نک.

Brockelmann, Band II, p. 216.

هادی، عمادالدین، *البهجه المرضیه علی الفیه ابن مالک، عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی، بغداد، ۱۹۷۲.*

Brockelmann, C., *Die Geschichte der arabischen Literatur*, Leiden, 1939.

Hartmann, M., "Zur kurdischen Literatur", *Wiener Zeitschrift für die Kunde des Morgenlandes XII*, pp. 102-113, Berlin, 1898.

———, *Der kurdische Diwan des Schēch Ahmad von Geziret ibn Omar genannt Mālāi Gizri*, Berlin, 1904.

Jaba, A. A., *Receuil de notices et de récits kourdes*, St. Pétersburg, 1860.

Khaznadar, M., *Očerk Istorii Sovremennoj Kurdskoj Literatry*, Moskva, 1967.

Kiezer, H. L., *Kurdistan und Europa: Einblicke in die kurdische Geschichte des 19. und 20. Jahrhunderts*, Zürich, 1997.

Le Coq, A. von, *Kurdische Texte*, Berlin, 1903.

Mardukh, A., "The Madrasa in Sunni Kurdistan", *Encyclopaedia Iranica*, vol. 8, Costa Mesa, pp. 187-189, 1998.

McDowall, D., *The Kurds*, London, 1996.

Qoxi, M. A., *Rêberê Sanî Şerha Ehemedê Xanî*, Uppsala, 1984.

Rudenko, M. B., *Mam i Zin*, Moskva, 1962.

———, *Nravy i Obyčaj Kurdov*, Moskva, 1963.

Zinar, Z., *Xwendina Medresê*, Stockholm, 1993.

———, *Nehcul Enam*, Stockholm, 1988.

مختصر است در باب فلسفه که فکر می‌کنم از آثار سعدالدین تفتازانی باشد. کتاب سی و دوم، شرح العقاید، قطعاً از نوشته‌های تفتازانی است که درباره مکاتب اسلامی و در شرح عقاید نسفی تحریر کرده است.^{۳۵} کتاب آخر، سی و سوم، جمع الجوامع تاج‌الدین الشبکی در باب اصول فقه اسلام است.^{۳۶}

خواندن کتابهایی که ذکرشان رفت جزو ضروریات دوران مدرسه بود که بدون تسلط بر آنها مقام ملائی حاصل نمی‌آمد. حدود چهل کتاب دیگر در صرف و نحو و فقه و منطق و ادب نیز بود که طلاب را در خواندن آنها مختیر می‌کردند. با اتمام جمع الجوامع هیچ اجباری برای ماندن در مدرسه نبود ولی بعضی از طالبان، که دیگر ملاً شده بودند، با مطالعه کتبی و رای متون درسی مدرسه یا رُز تعلّم را ادامه می‌دادند. در بین این متون اختیاری کتاب مم و زین احمد خانی^{۳۷} و دیوان ملای جزیری^{۳۸} و التذکره باحوال الموت و احوال الآخره تألیف شمس‌الدین الانصاری القرتبی^{۳۹} در باب مرگ و جهان آخرت و نورالابصار عبداللّه الدملجی^{۴۰} در باب تولد و زندگی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر مورد توجه بوده است و ملائی که خواندن کتبی از این دست را به انجام می‌رساند به ملای هفت‌علمی شهرت می‌یافت.

منابع

تبریزی، محمد کاظم بن عبدالعلی، *فوائد الصیائیه فی حل مشکلات الکافیّه*، بولاق، ۱۲۷۴ ق.

حسینی، ابوعمرو، *تشنیف المسامع بجمع الجوامع لتاج‌الدین السبکی*، بدرالدین محمد بن بهادر بن عبدالله الزرکشی، بیروت، ۱۴۲۰ ق.

حلمی، رفیق، *الشعر والادب الکردی*، بغداد، ۱۹۵۵.

رشید، احمد، *الالفیه فی التحو*، محمد بن عبدالله بن مالک الاندلسی، بغداد، ۱۳۹۶ ق.

سیدیان، الاظهار البرکوی و الکافیّه، ابی‌الحاجب الکردی، مهاباد، ۱۳۵۲ ش.

صابر، شرف‌الدین احمد، *عوامل فی التحو*، عبدالقاهر بن عبدالرحمن الجرجانی، اربیل، ۱۹۶۶.

عبدالله، رسول، *شرح قصیده بان‌ت‌سعاد لابی محمد جمال‌الدین عبدالله بن هشام الانصاری و بهامشه حاشیه ابراهیم الباجوری*، قاهره، ۱۳۰۴ ق.

کاتی، حسام، *قال اقوال*، شرح ایساغوجی اثیرالدین الابهری، مهاباد، ۱۳۶۹ ش.

حاشیه

35) *Ibid.*

36) *Ibid.*, Band II, p. 89.

تشنیف‌المسامع بجمع الجوامع لتاج‌الدین الشبکی تألیف بدرالدین محمد بن بهادر بن عبدالله زرکشی نیز در بعضی مدارس تدریس می‌شد، نک، حسینی، ۱۴۲۰ ق.

۳۷) برای متن مم و زین، که از شاهکارهای ادب کردی است، نک. Rudenko, 1962.

۳۸) برای دیوان ملا احمد جزیری، شاعر و صوفی معروف جزیره، نک. Hartmann, 1904.

39) Brockelmann, Band I, p. 415.

40) *Ibid.*, Band II, p. 485.